مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۰جلد۲، ص ۸۹-۸۴
http://www.jisc.ir

بررسی رابطه گرایش به رفتارهای پرخطر و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان شهر بیرجند

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۸۹-۸۴

محمدحسن خسروی[۱]، مجتبی خزاعی اسفزار[۲]
[۱] کارشناسی حقوق، دانشگاه علمی کاربردی بیرجند
[۲] کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

نویسنده مسئول:
محمدحسن خسروی

چکیده

هدف از انجام این تحقیق بررسی رابطه گرایش به رفتارهای پرخطر و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان شهر بیرجند است. برای انجام این پژوهش از پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید و همچنین پرسشنامه گرایش به رفتارهای پرخطر بین ۳۸۴ نفر از نوجوانان شهر بیرجند توزیع شد. برای بررسی رابطه میان متغیرها آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. همچنین برای پیش‌بینی آسیب به خود نیز از استفاده شد. نتایج نشان دادند که رابطه‌ای منفی معنی‌دار میان سبک دلبستگی ایمن و نمره گرایش به رفتارهای پرخطر مشاهده شده است؛ به‌عبارت‌دیگر، با افزایش نمره در سبک دلبستگی ایمن، مقدار گرایش به رفتارهای پرخطر در نمونه کاهش پیدا کرده است. در مورد سبک دلبستگی مضطرب دوسوگرا، رابطه معنی‌داری میان این سبک و نمره گرایش به رفتارهای پرخطر مشاهده نشده است؛ اما در مورد سبک دلبستگی اجتنابی، با افزایش نمره این سبک در نمونه مورد بررسی، مقدار گرایش به رفتارهای پرخطر نیز از لحاظ آماری افزایش معنی‌داری داشته است. همچنین در مورد پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر، مقدار پیش‌بینی رگرسیون برابر با ۶۶ درصد به دست آمد و تمام متغیرها از لحاظ آماری معنی‌دار بودند. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که باید با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری مناسب کارگاه‌های آموزشی برای نوجوانان دارای گرایش به رفتارهای پرخطر به‌منظور آشنایی با این رفتارها و پیامدهای ناگوار آن‌ها برگزار گردد تا زمینه پیشگیری ازاین‌گونه رفتارها فراهم شود.

واژگان کلیدی: گرایش رفتاری، رفتار پرخطر، سبک‌های دلبستگی.

مقدمه

نوجوانی دورانی است که ریشه رشد ارزش‌هایی است و دورانی است که فرد مستعد خطرپذیری است و ممکن است تصمیمات ناپایداری بگیرد که منجر به رفتارهای نامطلوب از جمله بزهکاری و رفتارهای پرخطر شود؛ بنابراین گرایش نوجوانان به بزهکاری و رفتارهای مجرمانه می‌تواند ریشه در مشکلات روانشناختی داشته باشد [۱]. افزایش آسیب‌های اجتماعی در بین دانش آموزان یکی از خطراتی است که جامعه شناسان، روان شناسان و حقوقدانان نسبت به آن هشدار می‌دهند و در بررسی‌های متعدد منتشر شده برخی آسیب‌های اجتماعی از جمله گرایش به مصرف سیگار و قلیان، ارتباط با جنس مخالف و کتک‌کاری در بیرون از خانه، همه‌گیرترین رفتارهای پرخطر در میان دانش آموزان گزارش شده است [۲].

زمینه رفتارهای پرخطر و گرایش به آن در نوجوانان از عوامل اصلی و مهم به خطر افتادن سلامت جامعه می‌باشد؛ و جوانانی که یک رفتار پرخطر در آنان مشاهده می‌شود باید از لحاظ دیگر رفتارهای پرخطر نیز کنترل شوند. با توجه به گرایش قابل توجه نوجوانان به رانندگی پرخطر و ارتباط مثبت آن با میزان پول توجیبی، ضرورت نظارت بیشتر والدین بر وضعیت پول توجیبی نوجوانان مطرح می‌باشد [۳]. این رفتارها در اواسط نوجوانی افزایش و در اواخر نوجوانی کاهش می‌یابد [۴]؛ و اگر در مسیر نوجوانی تعادل وجود نداشته باشد ممکن است پیامدهای منفی مانند مشکلات رفتاری و انحرافات اجتماعی ایجاد شود [۵]. رفتارهای پرخطر طیفی از رفتارها را در برمی‌گیرد که نه‌تنها برای فرد درگیر در این رفتار و افراد مهم زندگی وی زیان‌های جدی به بار می‌آورد، بلکه منجر به آسیب‌های قابل توجه به افراد دیگر نیز می‌شود. نقش تنظیم هیجان، عاطفه منفی، هیجان خواهی، نحوه ابراز هیجان و سبک‌های ناکارآمد ابرازگری هیجان و احساسات در رفتارهای پرخطر را علاقه‌ی زیادی را برانگیخته است [۶]. علیزادگانی و همکاران (۱۳۹۶) با بررسی علل گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان بیان کردند در دو مقوله کلی: ۱) عوامل فردی وابسته به دانش‌آموزان و نیازهای آن‌ها: لذت‌جویی، کنجکاوی، کسب هویت، اعتمادبه‌نفس کاذب، قهرمان نمایی؛ ۲) عوامل وابسته به بافت و زمینه: ارتباط با همسالان، سرگرمی با موبایل پرسه‌زنی در فضای مجازی، دسترسی آسان و ارزان انواع مواد، میهمانی‌ها و دورهمی‌های مختلط، الگوپذیری منفی از حرف و عمل بزرگترها و مسئولان، نبود مکان تفریحی و ورزشی، ناآگاهی والدین و اولیاء مدرسه، انگ و برچسب‌زنی، محدودیت‌های مالی تقسیم شدند. همچنین بالاترین آرزوی این دانش‌آموزان پول دارشدن و ارتباط با جنس مخالف بوده است[۷].

یکی از مقوله‌هایی که باعث آسیب نوجوانان در سنین پایین می‌شود دلبستگی و تغییرات هیجانی و رفتاری است؛ دلبستگی در حقیقت ارتباطی پایدار و عمیق است که بین کودک و سرپرستش در سال او زندگی وی برقرار می‌شود. این مسئله به‌طور عمیقی تمام جنبه‌های زندگی فرد از قبیل ذهن، جسم، هیجانات، ارتباطات و ارزش‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر دلبستگی یک فرایند دوسویه از ارتباط هیجانی می‌باشد که رشد روان‌شناختی، فیزیکی و شناختی نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنایی برای اعتماد و بی‌اعتمادی به شمار آمده و چگونگی ارتباط نوجوانان با دنیا را شکل داده و نحوه یادگیری و ارتباط را در سراسر زندگی مشخص می‌کند. اگر این فرایند گسیخته باشد، ممکن است نوجوانان در تشکیل مبنای ایمنی که لازمه بهداشت روانی نوجوانان در سنین بالاتر است، با شکست مواجه شود [۸]. نشانه‌ی اصلی رفتار دلبستگی این است که نوجوانان به دنبال مراقبت‌کننده‌ی خود و یا کسی که ارتباط نزدیکی با آن دارد، است و از عدم حضور وی نگران می‌شود. بالبی[۱] (۱۹۸۲)، از اصطلاح رفتار دلبستگی نه فقط برای پاسخ به جدایی فرد از مراقبت کننده استفاده می‌کند بلکه آن را واکنش طبیعی به هرگونه آشفتگی عنوان می‌نماید[۹].

از طرفی نیز اختلالات دلبستگی[۲] با شدت‌های متفاوت در جوامع مختلف در حال افزایش است. نوجوانان دارای اختلالات دلبستگی در موقعیت‌های اجتماعی قادر به تعامل و رابطه مناسب با دیگران نیستند، به دیگران اعتماد ندارند، از دیگران کناره‌گیری می‌کنند و یا بسیار پرخاشگر هستند. رفتارهایی نظیر آتش افروزی، آزار حیوانات و دروغ گویی و آسیب زدن به خود در آن‌ها دیده می‌شود [۱۰].

نوجوانی عبارت است از یک دوره شناختی، زیستی، فیزیولوژیک و گذرای اجتماعی و روانی که فاصله ۱۰ تا ۱۹ سالگی را در برمی‌گیرد [۱۱]. دگرگونی‌های اجتماعی-روانی در دوره‌ی نوجوانی، نیاز به استقلال، آزادی طلبی، شکل‌گیری شخصیت و پذیرش توسط همسالان را در فرد توسعه می‌دهد. درصورتی‌که این خصوصیات دوره‌ی نوجوانی نادیده گرفته‌شود، با خطر احتمالی رخداد بسیاری از رفتارهای ناسالم همراه خواهد بود [۱۲]. یکی از این رفتارهای ناسالم و خطرزا، روی دادن ناهنجاری‌هایی مانند آسیب‌های عمدی به خود و بروز انواع خشونت‌های بین فردی یا قلدری است. در سال‌های اخیر مطالعات بسیاری بر روی انواع خشونت از نوع آسیب‌های عمدی به خود صورت پذیرفته است [۱۳].

محمّدعلی پور و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و رفتارهای پرخطر بیان کردند که سبک دلبستگی ایمن با رفتارهای پرخطر رابطه‌ی منفی و سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی با رفتارهای پرخطر رابطه‌ی مثبت دارند؛ بنابراین آموزش خانواده‌ها در زمینه‌ی ایجاد روابط ایمنی‌بخش با فرزندان و نیز ارائه برنامه‌های افزایش‌دهنده‌ی امنیت دلبستگی می‌تواند حائز اهمیت فراوان باشد[۱۴].

---

[۱] Bowlby
[۲] Attachment disorders

رضایی جمالویی و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان بیان کردند سبک دلبستگی ایمن مؤلفه‌های رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن و مصرف الکل رفتارهای پرخطر را به‌صورت منفی، سبک دلبستگی اجتنابی مؤلفه‌های مصرف مواد و دوستی با جنس مخالف را و سبک دلبستگی دوسوگرا مؤلفه‌های دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد[۱۵]. عرب نزاد و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی نقش انسجام خانواده و خود ارزشمندی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش آموزان بیان کردند که انسجام خانواده و خود ارزشمندی با تمام زیر مقیاس‌های گرایش به رفتار پرخطر همبستگی منفی معنادار دارند. همچنین با توجه به مدل رگرسیون، انسجام خانواده و احساس خود ارزشمندی به طرز معناداری گرایش نوجوانان به رفتار پرخطر را پیش‌بینی کرد. انسجام خانواده به‌عنوان یک منبع مؤثر بیرونی و احساس خودارشمندی به عنوان یک منبع مؤثر درونی در برابر گرایش نوجوانان به سمت رفتارهای پرخطر به صورت سپر محافظتی عمل می‌کنند [۱۶]. با توجه به موارد ذکر شده و اهمیت سبک‌های دلبستگی و عوامل تأثیرگذار بر گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان، در این پژوهش قصد داریم رابطه میان سبک‌های دلبستگی و گرایش به رفتارهای پرخطر را مورد بررسی قرار دهیم. درواقع به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا رابطه‌ای بین گرایش به رفتارهای پرخطر و سبک‌های دلبستگی در نوجوانان شهر بیرجند وجود دارد یا خیر؟ و آیا می‌توان به‌وسیله سبک‌های دلبستگی، میزان گرایش به رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی نمود؟

روش‌شناسی تحقیق

این هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که به شکل میدانی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل نوجوانان شهر بیرجند است که با توجه به اینکه اندازه جامعه نامشخص است، تعداد نمونه با توجه به فرمول کوکران برای جامعه با اندازه نامشخص، ۳۸۴ نفر تعیین می‌شود. جهت جمع‌آوری داده‌های تحقیق از دو پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) و پرسشنامه رفتارهای پرخطر محمدخانی (۱۳۸۶) استفاده شد

الف) پرسشنامه تجدیدنظر شده دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰): این پرسشنامه خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ سؤال می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) که از؛ به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد: (۱) تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد: (۵)، تشکیل می‌گردد، سنجیده می‌شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس (وابستگی، نزدیک بودن و اضطراب) که هر مقیاس شامل ۶ ماده است مشخص می‌شود. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی – دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد. بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. مدت اجرای پرسشنامه کولینز و رید بر اساس زمینه‌یابی انجام شده ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شده است [۱۷].

ب) پرسشنامه گرایش به رفتارهای پرخطر محمدخانی (۱۳۸۶): پرسشنامه رفتارهای پرخطر با اقتباس از پرسشنامه‌ی مرکز پیشگیری از رفتارهای پرخطر (مرکز کنترل بیماری‌ها، ۲۰۰۸) طراحی شده است. این ابزار شامل دو بخش جمعیت شناختی و رفتارهای پرخطر است که شیوع هفت گروه از رفتارهای پرخطر مانند (۱) مصرف سیگار و قلیان، (۲) مصرف مشروبات الکلی، (۳) مصرف مواد روان‌گردان، (۴) رفتارهای پرخاشگرانه (۵) فکر و اقدام به خودکشی، (۶) فرار (۷) ارتباط با جنس مخالف را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه میزان شیوع رفتارهای پرخطر را در طول عمر، ۱۲ ماه گذشته و یک ماه اخیر و تمایل به مصرف انواع مواد در آینده را ارزیابی می‌کند. محمدخانی (۱۳۸۶) پایایی آن را ۰/۸۷ گزارش کرده است (محمدخانی، ۱۳۸۵). در مطالعه آزرمی و محمدخانی (۱۳۸۸) پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش شده است. ضریب همسانی درونی آن در پژوهش عنبری و محمدخانی (۱۳۸۹) بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد [۱۴].

در این پژوهش برای تعیین روایی صوری و محتوایی ابزار تحقیق، پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از اساتید و متخصصان موضوعی قرار گرفت و پس از اصلاحات مورد تائید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز در یک بررسی مقدماتی ۳۰ عدد پرسشنامه مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت و آلفای کرونباخ برای پرسشنامه رفتارهای پرخطر برابر ۰/۸۴ و برای پرسشنامه دلبستگی در کل پرسشنامه ۰/۸۲ و برای زیرمقیاس های ایمن، اجتنابی و سبک مضطرب دوسوگرا به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۸ و ۰/۷۸ به دست آمد. در این پژوهش برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات از هر دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. از آمار توصیفی، توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای خصوصیات و ویژگی‌های مجموعه داده‌ها و از آمار استنباطی و روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون برای بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است. داده‌های آماری در محیط نرم‌افزاری SPSS V.22 پردازش گردیده است.

یافته‌های تحقیق

برای بررسی رابطه میان سبک‌های دلبستگی و گرایش به رفتارهای پرخطر، از همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. جدول ۱ نتایج این همبستگی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱-همبستگی میان سبک‌های دلبستگی و آسیب به خود

سبک دلبستگی	ایمن	مضطرب دوسوگرا	اجتنابی
گرایش به رفتارهای پرخطر	-۰/۵۸۸**	-۰/۱۲۲	۰/۳۳۱*

$*: p \leq 0.05$ و $**: p \leq 0.01$

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، رابطه‌ای منفی معنی‌دار ($p \leq 0.01$) میان سبک دلبستگی ایمن و نمره گرایش به رفتارهای پرخطر مشاهده شده است؛ به‌عبارت‌دیگر، با افزایش نمره در سبک دلبستگی ایمن، مقدار گرایش به رفتارهای پرخطر در نمونه کاهش پیدا کرده است. در مورد سبک دلبستگی سبک مضطرب دوسوگرا، رابطه معنی‌داری میان این سبک و نمره گرایش به رفتارهای پرخطر مشاهده نشده است ($p > 0.05$)؛ به‌عبارت‌دیگر به طور معمول افزایش و کاهش نمره این سبک با افزایش و کاهش متناظر در نمره گرایش به رفتارهای پرخطر همراه نبوده است؛ اما در مورد سبک دلبستگی اجتنابی، با افزایش نمره این سبک در نمونه مورد بررسی، مقدار گرایش به رفتارهای پرخطر نیز از لحاظ آماری افزایش معنی‌داری داشته است ($p \leq 0.05$).

جدول ۳-نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی نمره گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان

نام متغیر	ضریب	آماره آزمون t	معنی‌داری
ایمن	-۰/۳۸	۵/۷۲	۰/۰۰۱
مضطرب دوسوگرا	-۰/۰۸	۲/۸۶	۰/۰۰۱
اجتنابی	۰/۳۲	۲/۹۸	۰/۰۰۱
عرض از مبدأ	۲/۵۷	۱/۷۲	۰/۰۱۲
آماره فیشر:۱۴/۲۲ معنی‌داری:۰/۰۰۱		توضیح دهندگی: ۰/۶۶	

در جدول (۲) نتایج مربوط به رگرسیون خطی برای پیش‌بینی متغیر گرایش به رفتارهای پرخطر مشاهده می‌شود. همان‌طور که مشخص است، ضریب سبک دلبستگی ایمن در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر ۰/۳۸- است. همان‌طور که در قسمت همبستگی پیرسون نیز بیان شد این ضریب منفی به معنی رابطه معکوس میان سبک دلبستگی ایمن و گرایش به رفتارهای پرخطر است. در مورد سبک مضطرب دوسوگرا نیز نتیجه مشابهی با سبک ایمن به‌دست‌آمده است با این تفاوت که ضریب به‌دست‌آمده برای این سبک بسیار کوچک‌تر از ضریب سبک ایمن است. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی نیز از لحاظ آماری تأثیر معنی‌داری ($p \leq 0.01$) بر متغیر گرایش به رفتارهای پرخطر دارد. همچنین در مورد قدرت پیش‌بینی کنندگی مدل نیز با توجه به اینکه مقدار توضیح دهندگی آن یا R^2 برابر با ۶۶ درصد محاسبه شده است، مدل از قدرت پیش‌بینی کنندگی مناسبی برخوردار است؛ به‌عبارت‌دیگر، متغیرهای مستقل یا سبک‌های دلبستگی تا ۶۶ درصد می‌توانند گرایش به رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی با میزان گرایش به رفتارهای پرخطر رابطه داشته و همچنین می‌توانند گرایش به رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند. در این پیش‌بینی سبک ایمن تأثیری منفی بر گرایش به رفتارهای پرخطر دارد؛ به‌عبارت‌دیگر با افزایش نمره سبک دلبستگی ایمن، گرایش به رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. با بازبینی ویژگی‌های این سبک یعنی آسان بودن ایجاد رابطه نزدیک با دیگران، احساس راحتی از تکیه کردن به دیگران و اجازه دادن به دیگران برای تکیه کردن به آن‌ها و عدم نگرانی از نزدیکی افراد به آن‌ها یا ترک کردن آن‌ها، نتیجه به‌دست‌آمده منطقی به نظر می‌رسد. فردی که دارای سبک دلبستگی ایمن است، نگرانی ذهنی از بابت دلبستگی ندارد و ازاین‌جهت به نظر می‌رسد این آرامش ذهنی سبب می‌شود میزان گرایش به رفتارهای پرخطر در افراد دارای این سبک کمتر از سایر سبک‌ها باشد. در مورد سبک اجتنابی نیز با توجه به ویژگی‌های آن، یعنی ناراحت شدن از نزدیکی دیگران، عدم اعتماد کامل به دیگران، عدم توانایی تکیه به دیگران و عصبی شدن از تلاش دیگران برای نزدیک شدن به آن‌ها به نظر می‌رسد که باید با افزایش نمره این سبک میزان گرایش به رفتارهای پرخطر افزایش یابد که همین اتفاق نیز افتاده است. ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌ای مستقیم میان سبک دلبستگی اجتنابی و میزان گرایش به رفتارهای پرخطر مشخص کرده است و در مورد رگرسیون نیز این سبک تأثیری مثبت و معنی‌دار بر نمره گرایش به رفتارهای پرخطر دارد. افراد دارای سبک دوسوگرا نیز، همان‌طور که کمابیش در مقدمه به آن اشاره شد، کسانی هستند که احساس می‌کنند دیگران مایل نیستند آن‌قدر که آن‌ها دوست دارند با آن‌ها رابطه نزدیک داشته باشند. آن‌ها مایلند که با بعضی افراد کاملاً یکی شوند ولی این خواسته بعضی اوقات باعث ناراحتی و دوری مردم از آن‌ها می‌شوند. در مورد این افراد با توجه به ویژگی‌های آن‌ها نمی‌توان پیش‌بینی خاصی در مورد گرایش به رفتارهای پرخطر انجام داد. البته با توجه به طرد شدن آن‌ها توسط اطرافیان به خاطر تمایل این سبک به برقراری رابطه بیش‌ازحد با افراد، ممکن است موجب افزایش استرس آن‌ها شده و این استرس باعث افزایش گرایش به رفتارهای پرخطر در آن‌ها گردد؛ اما نتایج آزمون پیرسون همبستگی معنی‌داری میان این سبک و گرایش به رفتارهای پرخطر را نشان نمی‌دهد. بر خلاف این آزمون، در رگرسیون خطی مشاهده می‌شود که این سبک تأثیری منفی بر گرایش به رفتارهای پرخطر دارد. نتایج به‌دست‌آمده با تحقیقات محمّدعلی پور و همکاران (۱۳۸۹)، رضایی جمالویی و همکاران (۱۳۹۸) و عرب نزاد و همکاران (۱۳۹۷) در یک راستا بود.

عرب نژاد و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی نقش انسجام خانواده و خود ارزشمندی در پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش آموزان بیان کردند که انسجام خانواده و خود ارزشمندی با تمام زیر مقیاس‌های گرایش به رفتار پرخطر همبستگی منفی معنادار دارند. محمّدعلی پور و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و رفتارهای پرخطر بیان کردند که سبک دلبستگی ایمن با رفتارهای پرخطر رابطه‌ی منفی و سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی با رفتارهای پرخطر رابطه‌ی مثبت دارند. رضایی جمالویی و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان بیان کردند سبک دلبستگی ایمن مؤلفه‌های رانندگی خطرناک، خشونت، سیگار کشیدن و مصرف الکل رفتارهای پرخطر را به‌صورت منفی، سبک دلبستگی اجتنابی مؤلفه‌های مصرف مواد و دوستی با جنس مخالف را و سبک دلبستگی دوسوگرا مؤلفه‌های دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان این‌گونه بیان کرد که برنامه آموزشی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند بر گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان مؤثر باشد و موجب کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر شود. درنتیجه با ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌توان به نوجوانان کمک کرد که از درگیر شدن در رفتارهای پرخطر اجتناب کنند. به مسئولین پیشنهاد می‌شود که با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری مناسب کارگاه‌های آموزشی برای نوجوانان دارای گرایش به رفتارهای پرخطر به‌منظور آشنایی با این رفتارها و پیامدهای ناگوار آن‌ها برگزار گردد تا زمینه پیشگیری ازاین‌گونه رفتارها فراهم شود. همچنین روانشناسان با آموزش تدابیر مناسب در راستای افزایش هیجانات مثبت و خودکارآمدی در نوجوانان باید اقدامات لازم را انجام دهند تا از شدت رفتارهای پرخطر همراه در این قشر آسیب‌پذیر از جامعه کاسته شود.

مراجع

[۱] بهجتی اردکانی، مهلا و اورکی، محمد (۱۳۹۹). نقش اختلال بیش فعالی/کمبود توجه در گرایش نوجوانان بزهکار به رفتارهای پرخطر، اولین همایش ملی آسیب شناسی روانی، اردبیل.

[۲] امیری، امینه و رضاپور، داریوش (۱۳۹۹). بررسی عوامل موثر بر گرایش دانش آموزان به رفتارهای پرخطر (مطالعه موردی: دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر بوشهر)، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، تهران.

[۳] زارعی عارف، باقرزاده راضیه، غریبی طیبه، روانی پور مریم. گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان شهر بوشهر و عوامل مرتبط با آن، سال ۱۳۹۸. طب جنوب. ۱۳۹۹; ۲۳ (۶): ۵۶۸-۵۵۴.

[۴] Tonetti L, Natale V, Randler C (2015). Association between Circadian Preference and Academic Achievement: A Systematic Review and MetaAnalysis. Chronobiol Int; 32(6): 792-801. [DOI:10.3109/07420528.2015.1049271]

[۵] Barati M, Hidarnia A, Niknami S, et al (2015). Factors Associated With Tobacco Smoking Among Male Adolescents: The Role Of Psychologic, Behavioral, And Demographic Risk Factors. Avicenna J Neuro Psycho Physiol; 2(1): 18-24.

[۶] ملکی، مصطفی، محققی، حسین، نبی زاده، صفدر. (۱۳۹۸). پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر براساس نشخوار خشم و ابرازگری هیجان. اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی، ۱۴(۵۲), ۷-۱۶.

[۷] علیزادگانی، فاطمه، اخوان تفتی، مهناز، خادمی، ملوک. (۱۳۹۶). بررسی علل گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر تهران. فصلنامه انتظام اجتماعی, ۹(۲), ۱۰۳-۱۲۸.

[۸] Hinshaw-Fuselier, S., Boris, N. W., & Zeanah, C. H. (1999). Reactive attachment disorder in maltreated twins. Infant Mental Health Journal, 20(1), 42-59.

[۹] Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: Retrospect and prospect. American journal of Orthopsychiatry, 52(4), 664.

[۱۰] Fishler, P. H., Sperling, M. B., & Carr, A. C. (1990). Assessment of adult relatedness: A review of empirical findings from object relations and attachment theories. Journal of Personality Assessment, 55(3-4), 499-520.

[۱۱] Crockett LJ, Petersen A (1993). Adolescent development: Health risks and opportunities for health promotion. New York: Oxford University: 13-37

[۱۲] Fergusson DM, Horwood LJ (1995). Transitions to cigarette smoking during adolescence. Addict Behav; 20(5): 627-42.

[۱۳] Shetgiri R, Lin H, Flores G (2013). Trends in risk and protective factors for child bullying perpetration in the United States. Child Psychiatry Hum Dev; 44(1): 89-104.

[۱۴] محمّدعلی پور زینب، رستمی محمّد، قائم‌مقامی مریم (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های دلبستگی و رفتارهای پرخطر. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی. ۴ (۱۵): ۸۳-۹۰

[۱۵] رضایی جمالویی، حسن، حسنی، جعفر، نورمحمدی، محمد. (۱۳۹۸). نقش سبک‌های دلبستگی در رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مقطع متوسطه دوم. دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، ۲۰(۱)، ۱۱۲-۱۲۱.

[۱۶] عرب نژاد، شادی، مفاخری، عبدالله، رنجبر، محمدجواد. (۱۳۹۷). نقش انسجام خانواده و خودارزشمندی در پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش آموزان مقطع متوسطه اول. مطالعات روانشناختی، ۱۴(۱)، ۱۴۷-۱۶۲.

[۱۷] پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی، پایان نامه دکترای روان¬شناسی، دانشگاه تهران.